

## نزاع بر سر اقبال

### رسول جعفریان

در یک مقطع در کشور ما اندیشه های اقبال مورد توجه قرار گرفت و به عنوان اندیشمندی سرشناس از شبه قاره که آشنایی با افکار تازه عالم داشت و در عین حال غیرت اسلامی اما روشنفکرانه داشت، با احترام فراوانی روبرو شد. مرحوم سید غلامرضا سعیدی معلم بیرجندی که بعدها نقش فعالی در انتشار اندیشه های اسلامی مدرن اما محتاط داشت، روی اقبال حساسیت فراوانی داشت و شاید نخستین کسی بود که به طور منظم در باره اقبال نوشت و منتشر کرد. بعدها دکتر شریعتی نیز در باره اقبال فراوان سخن گفت و آثارش در باره وی در سطحی گسترده انتشار یافت. کتاب «ما و اقبال» از آن جمله بود. برگزاری کنگره اقبال در حسینیه ارشاد و انتشار کتابی به عنوان مجموعه مقاله با عنوان علامه اقبال در سال ۱۳۵۲ چهره اقبال را در ایران مطرح کرد و چیزی نگذشت که در سطح عمومی اقبال در کنار سید جمال الدین اسدآبادی به عنوان یک مصلح شناخته شد. جالب است که در قم نیز دارالتبلیغ از مرکز توجه به اقبال بود و بسا مرحوم سعیدی که دستی در دارالتبلیغ داشت بانی این توجه بود. استاد شهید مطهری نیز در نهضت های اسلامی صد ساله اخیر به اقبال پرداخت و ضمن ستایش از برخی از افکار وی انتقاداتی را نیز متوجه وی کرد. این مسیر حتی بعد از انقلاب هم ادامه یافت و همایش های متعددی در ایران برقرار شد و جاوید اقبال فرزند اقبال لاهوری نیز به ایران آمد.

در مقابل، به احتمال در محافل سنتی انتقاداتی از اقبال صورت می گرفت. ما به صورت منظم از این مخالفتها آگاهی نداریم اما اطلاعیه ای را به دست آوردیم که تلاش کرده است در مقابل آن فعالیت ها اقدامی صورت داده باشد. در این اطلاعیه که تصویر آن را ملاحظه می کنید تلاش شده است تا با استناد به اشعاری که اقبال در باره رضاشاه و آتاتورک داشته است، او را مورد حمله قرار دهد و برگزار کنندگان مجالس بزرگداشت برای اقبال را تخطئه کند. این اطلاعیه علی القاعده مربوط به بعد از انقلاب است.

## اقبال لاهوری

بسمه تعالی

مداح طاغوت

ولاتقف ماليس لك به علم سوره اسراء آیه ۳۶

از خبری که به آن علم ندارید پیروی نکنید

خطاب به کسانی که در مدح و ستایش او کتاب می نویسند و برای او (اقبال لاهوری) سال مرگ میگیرند و بودجه های هنگفت خرج میکنند چند نمونه از اشعار دیوان او در مدح پهلوی - آتاتورک و ظالمان دیگر البته از اینها بیشتر است که خودتان باید مراجعه کنید.

در مدح پهلوی اول  
گفته صفحه ۳۷۰

آنچه بر تقدیر مشرق قادر است  
پهلوی آن وارث تخت قباد  
نادر آن سرمایه درانیان  
از غم دین وطن زار و زیبون  
هم سپاهی هم سپهگر هم امیر  
غریبان را شیوه های ساحری است  
عزم و حزم پهلوی و نادر است  
ناخن او عقده ای ایران گشاد  
آن نظام ملت افغانیان  
لشکرش از کوهسار آمد برون  
با عدو فولاد با یاران حریر  
نکیه جز بر خونیش کردن کافری است

ابدالی

در مدح مصطفی کمال  
پاشا آتاتورک ایده الله  
صفحه ۲۴۰

امنی بود که ما از اثر حکمت او  
اصل مایک شرر باخته رنگی بودست  
نکنه ای عشق فروشت زدل پیر حرم  
باد صحر است که با فطرت مادر سازد  
آه آن غلغله کز گنبد افلاک گذشت  
ای بسا صید که بی دام بفرک زدیم  
واقف از سر نهانخانه ای تقدیر شدیم  
نظری کرد که خورشید جهانگیر شدیم  
در جهان خوار باندازه ای تقصیر شدیم  
از نفس های صبا غنچه ای دلگیر شدیم  
ناله گردید چو پایند بم و زیر شدیم  
در بغل تیر و کمان کشته ای نخجیر شدیم!  
هر کج راه دهد اسب بران تاز که ما  
بارها مات درین عرصه بتدبیر شدیم

در مدح پادشاه اسلام  
اعلی حضرت طاهر شاه  
ایده الله بنصره  
صفحه ۴۲۸

ای قبا ی پادشاهی بر تو راست  
خسروی را از وجود تو عیار  
از تو ای سرمایه فتح و ظفر  
سینه ها بی مهر تو ویرانه به  
آبگون تیغی که داری در کمر  
نیک میدانم که تیغ نادر است  
سایه تو خاک ما را کی میاست  
مفلوت تو ملک و دولت را حصار  
تخت احمد شاه را شانی دگر  
از دل و از آرزو بیگانه به  
نیم شب از تاب او گردد سحر  
من چه گویم باطن او ظاهر است  
حرف شوق آورده ام از من پذیر  
از فقیری رمز سلطانی بگیر  
اقبال لاهوری